



شماره دوم، فصلنامه پژوهش و فرهنگ، زمستان ۱۳۹۷



سفر مظلومه

ظلم، عبور از عدالت و یکی از رذایل اخلاقی است که به معنای گذاشتن چیزی در غیر موضع خود، ستم کردن و بی‌داد معنی شده است. خشونت نیز یکی از مصادیق ظلم و استفاده از زور فیزیکی به منظور قراردادن دیگران در وضعیتی بر خلاف خواستشان است. خشونت می‌تواند از اهانت و تمسخر تا درگیری فیزیکی و جنگ گسترده شود. اما ظلم و خشونت همواره بروز فیزیکی و جسمانی ندارد بلکه یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌هایی که می‌توان به انسان‌ها روا داشت، فراهم نکردن زمینه‌های لازم برای شکوفا شدن استعدادهای فطری آن‌ها و ناتوان ساختن آنان در دستیابی به نیازهایشان است و چه کسی می‌تواند انکار کند که سخت کردن مسیر تحقق ازواج نیز یک ظلم بزرگ است!

امن‌ترین جا برای هر انسانی خانه و خانواده است و اگر در این محیط ظلم و خشونت رخ دهد، اثر روحی و روانی آن به مراتب شدیدتر خواهد بود چرا که لطیف‌ترین شکل روابط انسانی در خانواده جریان دارد. اگر در خانواده آرامش برقرار نباشد؛ زن و مرد در محیط‌های دیگر نیز آرامش نخواهند داشت که می‌تواند منجر به آشفتگی و بی‌انگیزگی در ایفای سایر نقش‌هایشان شود.

از آنجایی که زن عنصر محوری در ترکیب خانواده است و نقش آرامش‌بخشی و نشاط خانواده بیشتر متوجه اوست، مورد خشونت واقع شدن زن تبعات بیشتری به دنبال خواهد داشت و تعادل جامعه را بهم می‌ریزد. از این‌روست که **ظلم به زنان، نابودی جامعه است!** حال اگر خانواده‌ای باوجود داشتن فرزند دچار تنش شده و در این میان به یکی از والدین ظلم شود؛ نمی‌توان انتظار داشت کودکی که شاهد ماجرا بوده، تبدیل به انسانی کاملاً متعادل و سالم بشود و یا لاقل راه سخت‌تری در پیش خواهد داشت. راستی، آیا حواسمان به آینده‌ی جامعه هست؟!

فهرست:

سد خشونت صفحه ۲
اسلام و منع خشونت علیه زنان

آمار مهلک صفحه ۴
آمار درمورد تعرضات جنسی چه می گوید؟

برای انسان صفحه ۵
بازتاب خشونت دیدن زن بر جامعه

این ها ظلم است صفحه ۶

حواستان هست! صفحه ۸
کودکان و خشونت خانگی

معرفی کتاب صفحه ۹
معرفی رمان آفرت

ظلم پنهان در کودک همسری صفحه ۱۰
جستاری در طرح افزایش حداقل سن ازدواج و زوایای پنهان آن

این ها مسلمان نیستند صفحه ۱۱
پشت هر داستانی واقعیت نهفته است...

فاطمه خاوری / ۹۹ ارشد ریاضی



۶ دقیقه و ۵ ثانیه



سد خشونت

آیا تاکید اسناد حقوقی بین‌المللی و سازمان ملل بر مسئله خشونت علیه زنان نشان‌دهنده‌ی این است که اسلام در این مورد بی‌توجه بوده‌است؟ برای پاسخ به این سوال باید بررسی تطبیقی انجام دهیم. در این بررسی ما باید به این نکته توجه کنیم که مبنای علوم در غرب تجربه و استقراست به همین دلیل معمولاً وقتی آفتی ایجاد شود به دنبال درمان آن هستند اما دین اسلام به دنبال پیشگیری قبل از تحقق آفت است. اسلام آکنده از توصیه‌هایی است که عمل به آن مانع تحقق خشونت می‌شود. در این یادداشت بطور اجمالی به موضوع منع خشونت در دین اسلام می‌پردازیم.^۱

نگرش اسلام نسبت به مسئله نفی خشونت علیه زنان

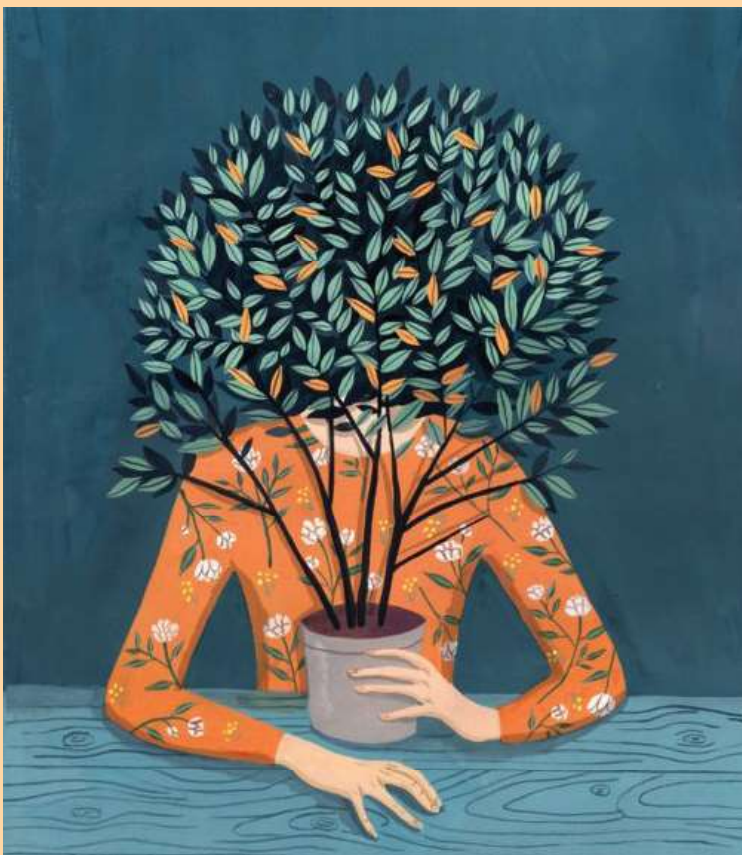
۱- نگاه پیشگیرانه و تاکید بر سلامت روانی: وصیت حضرت علی (ع) هنگام شهادت این بود که: «خدا را درمورد زنان و خدمتکاران در نظر بگیرید». امام باقر (ع) نیز فرموده‌اند: «در مورد دو گروه که در ضعف قرار گیرند تقوا پیشه کنید: زنان و یتیمان.»

۲- مقابله با عوامل فرهنگی زمینه‌ساز خشونت علیه زنان: یکی از این عوامل، ترجیح دادن پسران بر دختران است و در زمانه‌ای که پدران، دخترانشان را زنده به گور می‌کردند، پیامبر (ص) وظیفه‌ی سنگینی بر عهده داشتند تا این فرهنگ غلط را اصلاح کنند. عمده‌ی آموزه‌های اسلام در سیره‌ی پیامبر (ص) و چگونگی رفتار با دخترشان مشهود است. بعنوان مثال، به نقل از امام صادق (ع)، پیامبر (ص) به فردی که از تولد فرزند دختر ناراحت بود فرمودند: «دختر گلی خوشبو از گل‌های بهشت است که از آن لذت می‌بری.»

۳- ترویج روش‌های نفی خشونت علیه زنان: اسلام به پرورش مبتنی بر عدالت تاکید دارد. از این رو پیامبر (ص) بارها فرموده‌اند: «خداوند دوست دارد حتی در بوسیدن فرزندان عادلانه رفتار کنید.» و یا «در هدیه دادن به فرزندان مساوات را رعایت کنید. اگر ناچارید یکی را بر دیگری ترجیح دهید، دختران را ترجیح دهید.»

۴- نفی خشونت خانگی علیه زنان خانواده: عمده‌ترین خشونت روا داشته علیه زنان، خشونت خانگی است که اسلام در این مورد آموزه‌های پیشگیرانه‌ی متعددی دارد:

۴-۱) دختر: به دلیل رواج داشتن فرهنگ برتری پسران بر دختران، اسلام خواستار توجه ویژه به آنان شده‌است تا این فرهنگ اصلاح شود. پیامبر (ص): «هر کس خداوند به او فرزند دختری عطا کند و پسرش را بر دخترش ترجیح ندهد، خداوند او را وارد بهشت می‌کند.» و یا «بهترین شما کسی است که برای همسر و دختران خود بهترین باشند.»



۴-۲) همسر: در اسلام توجه خاصی به همسر ارائه شده‌است و هر دو از حقوق ویژه‌ای برخوردارند. امام صادق (ص): «همین یک گناه برای مرد کافی است که خانواده خود را اذیت کند.» و یا «هر کس ازدواج کند حق ندارد حق همسر خود را ضایع کند.» پیامبر (ص): «مردی که با همسر خود بد رفتاری کند، هیچ حسنه‌ای از او پذیرفته نمی‌شود و اولین کسی است که وارد آتش جهنم می‌شود.»

۴-۳) مادر: در اسلام به نیکی به والدین توصیه فراوان شده و بر محبت به مادر به طور ویژه تاکید شده‌است. همچنین بزرگان دینی به شدت فرزندان را از درشتی نسبت به مادر نهی کرده‌اند.

۵- حمایت‌های خاص از زنان در معرض خشونت: علاوه بر خشونت

جنسی آزاد و ضابطه‌مند ساختن آن به وسیله ازدواج، از جمله عوامل بازدارنده‌ی خشونت جنسی علیه زنان در جامعه می‌باشد. توصیه‌های مکرر دینی به یاد خدا و رعایت تقوای الهی در رابطه با جنس مکمل سبب می‌شود تا مسلمانان به دلیل انگیزه‌ی قوی دینی، رفتار با زنان را بر مبنای عدالت قرار دهند. برخلاف توصیه‌های عمدتاً سکولار و بین‌المللی که سعی می‌کنند با وضع قوانین بشری و با قدرت نیروهای انتظامی و پلیس مانع برخورد خشونت‌آمیز علیه زنان گردند و برای آنکه زنان گرفتار خشونت خانگی نشوند؛ خانواده را از حوزه‌ی خصوصی خارج کرده و پلیس را تا زوایای پنهان کانون خانواده داخل می‌نمایند. ترس از پلیس با اطمینان به عدم اطلاع او از برخی کج‌رفتاری‌ها، منعی از ظلم به زنان ایجاد نخواهد کرد ولی ترس از خداوند با یقین به علم خداوند نسبت به تمام رفتارها، مانع ستم به زنان خواهد شد.

ضمانت اجرایی

قوانین پس از تدوین، نیاز به ضمانتی برای اجرا دارند که باعث شود فرد از تخلف در اجرای آن خودداری نماید. در قوانین داخلی هر کشور، مسئولیت برخورد با متخلفین بر عهده پلیس و مأموران انتظامی است ولی مصوبات بین‌المللی راهکار چندان مناسبی ارائه نمی‌دهند. مسلمانان معتقدند که در صورت تخلف از قوانین الهی، خدایی که ناظر بر پنهان و آشکار آدمیان است از جرم متخلف آگاه بوده و او را کیفر خواهد داد و هیچ امری نمی‌تواند مانع اجرای اراده الهی گردد. در جایی که تنها اهرم بازدارنده از رفتار نادرست، ترس از پلیس باشد در موقعیتی که پلیس از خطای انسان مطلع نگردد و یا بتوان با تطمیع او را از مجازات منصرف کرد، افراد به جرم خویش ادامه خواهند داد و به همین دلیل قوانین انسانی هر چقدر هم سفت و سخت باشند، به دلیل نداشتن روح توحیدی، ضمانت اجرایی کافی پیدا نخواهند کرد.



خانگی، گاه خشونت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز ممکن است رخ دهند که با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر زنان، روی کاهش اثرات این نوع خشونت‌ها تاکید فراوان شده است:

- ۱-۵) حمایت از زنان در مناقشات مسلحانه: یکی از توصیه‌های پیامبر(ص) و امام علی(ع) در زمان حکومت‌داری و در جنگ‌ها این بوده است که به زنان و کودکان آسیبی نرسد. امام علی(ع) خسارت‌های واد شده ناشی از جنگ به قبیله بنی جزیمه را جبران کردند و حتی به ازای ترس و وحشت وارد شده به زنان و کودکان، حقی به آن‌ها بخشیدند.
- ۲-۵) حمایت از زنان آسیب دیده بواسطه مناقشات مسلحانه: برای حفظ و تثبیت حکومت اسلامی، پیامبر(ص) و امام علی(ع) نیازمند برخورد قاطعانه با دشمنان بودند. بنابراین زنانی بودند که مردان خانواده‌شان در جنگ‌ها کشته می‌شدند و لازم بود مورد حمایت قرار گیرند.
- ۳-۵) حمایت از زنان مظلوم و ستم دیده: خداوند در قرآن می‌فرماید: چرا در راه دفاع از مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟! (۴-۵)
- ۴-۵) حمایت از دختران بی‌سرپرست و حمایت از خدمتکاران زن و زنان نیازمند و سالمند و آسیب دیده‌ی عاطفی نیز از دیگر موارد تاکید شده در معارف اسلامی است.

«توصیه‌های مکرر دینی به یاد خدا و رعایت تقوای الهی در رابطه با جنس مکمل سبب می‌شود تا مسلمانان به دلیل انگیزه‌ی قوی دینی، رفتار با زنان را بر مبنای عدالت قرار دهند.»

هدف اسلام از محو خشونت

در اسلام انسان موجودی جاودانه معرفی شده که دنیا فقط بخشی از زندگی او را تشکیل می‌دهد و ابزاری برای رسیدن به حیات اخروی می‌باشد. از این رو برخلاف اهداف اسناد بین‌المللی، در اسلام هدف زندگی انسان‌ها و به طور خاص زنان، تعالی می‌باشد نه توسعه. هر چند نظام اجتماعی-اقتصادی اسلام می‌کوشد تا آسایش دنیایی را نیز برای افراد فراهم کند؛ اما هدف نهایی این نبوده و تنها مقدمه و رسیدن به سعادت ابدی است.

هرچند جنس زن و مرد در هویت انسانی خویش یکسانند ولی در ویژگی‌های جسمانی و روانی دارای تفاوت‌هایی هستند به همین دلیل نیاز به قوانین متفاوتی دارند. اسلام هدف اساسی برای انسان‌ها را برابری ذکر نمی‌کند بلکه بر عدالت تاکید دارد بنابراین با وضع حقوق و تکالیف متناسب با جنسیت، سعی در برقرای تعادل در زندگی خانوادگی دارد.

راهکارهای اسلام برای محو خشونت

در اسلام زنان از حضور در برخی موقعیت‌های اجتماعی خشونت‌زا باز داشته شده‌اند و به همین دلیل جهاد بر آنان واجب نیست در حالی که در قوانین حمایتی بین‌المللی و بنابر اصل برابری، زنان نیز باید در پست‌های نظامی و در جنگ‌ها مشارکت کنند. اعلامیه‌های مکرر بین‌المللی کوشیده‌اند تا دردهای موجود در جامعه زنان را حتی المقدور درمان کنند اما باید یادآوری کرد که ادیان به موضوع پیشگیری قبل از درمان بیشتر پرداخته‌اند که این موضوع در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی کمتر مورد توجه است. به عنوان نمونه برخی احکام و قوانین دینی سبب می‌گردد زنان از خشونت جنسی در اجتماع محفوظ بمانند. از جمله التزام مردان و زنان به پرهیز از نگاه‌های آلوده، استفاده از پوشش مناسب، غیرت مطلوب مردان نسبت به همسرشان، منع اکید روابط

۱- این یادداشت خلاصه‌ای از بخش «خشونت علیه زنان» صفحات ۳۹۵ تا ۴۱۸ کتاب «حقوق زنان، برابری یا نابرابری» نوشته‌ی زهرا آیت‌اللهی است. برای دستیابی به متن اصلی آیات و روایات به کتاب مراجعه فرمائید.



آمار مهلک

زهرا کریمی / ۹۸ مکانیک



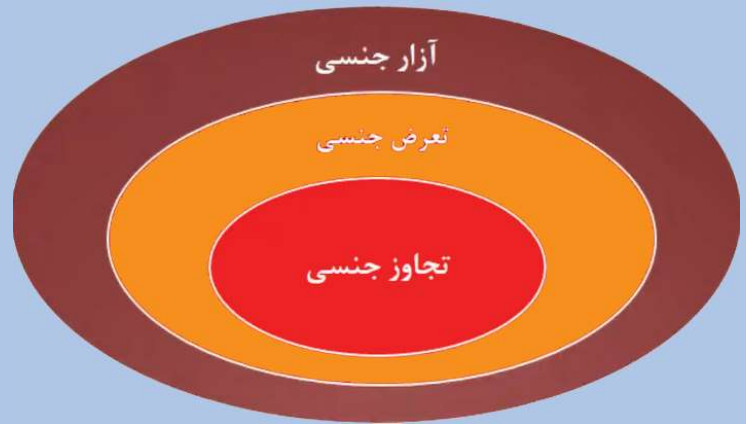
۴ دقیقه و ۴۴ ثانیه

جایگاه بالاتری قرار داشته باشد، احتمال این که مورد آزار جنسی قرار بگیرد، بیشتر است. زنان مدیر ارشد یا دارندگان مدرک دانشگاهی، دو برابر بیشتر از سایرین (۷۵ درصد از این زنان) در معرض تعرض جنسی هستند. فرانسه، رتبه یک آزار جنسی زنان تحصیل کرده و دانمارک و سوئد رتبه یک و دو آزار جنسی در محل کار را دارند. به گفته یکی از زنان سوژه‌ی این گزارش که قربانی آزار جنسی است، ۹۰ درصد زنانی که آزار جنسی را گزارش می‌دهند؛ اخراج و یا مجبور به استعفا می‌شوند.

انگلستان

بنابر گزارش پلیس لندن، در سال ۲۰۱۷ و فقط در شهر لندن، ۷۶۱۳ مورد تجاوز جنسی به پلیس گزارش شده‌است. در انگلستان و ولز تقریباً در هر سال ۸۵۰۰۰ زن و ۱۲۰۰۰ مرد مورد تجاوز جنسی و تقریباً نیم میلیون نفر مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. تنها ۱۵ درصد از موارد خشونت جنسی به پلیس گزارش که از بین موارد گزارش شده هم ۵.۷ درصد به نتیجه رسیده و مجرم، گناهکار شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۲، ۲۲۶۵۴ مورد جرم جنسی بر علیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال به پلیس گزارش شده‌است.^۲ طبق آمار منتشر شده در سایت اداره ملی آمار انگلستان، ۲۰ درصد از زنان این کشور، حداقل یکبار در دوران بزرگسالی، تعرض جنسی را تجربه نموده‌اند. ۸۳ درصد قربانیان نیز تجربه خود را به پلیس گزارش نمی‌کنند. بر اساس آمار پلیس انگلستان، در سال ۲۰۱۷، ۱۲۱۰۰۰ مورد تجربه جنسی و ۴۱۰۰۰ تجاوز جنسی گزارش شده‌است که با در نظر داشتن ثبت ۱۷ درصدی جرائم جنسی، می‌توان عدد ۷۱۱۰۰۰ مورد جرم جنسی در سال ۲۰۱۷ را برآورد نمود. از ۴۱۰۰۰ مورد تجاوز ثبت‌شده نیز، تنها برای ۵۱۰۰۰ مورد دادگاه تشکیل شده و در ۲۹۰۰۰ مورد، متهم محکوم شده‌است.^۳

تعریف خشونت و آزار جنسی، تعرض جنسی، تجاوز جنسی در ابتدای بحث لازم است ذکر کنیم در خشونت‌های مربوط به مسائل جنسی، «sexual harassment» به معنای عام خشونت و آزار جنسی است. «sexual violence» نیز تقریباً در همین معنا به کار می‌رود. به طور دقیق‌تر «harassment» بیشتر در مورد آزار و اذیت‌های جنسی به کار می‌رود که بار فیزیکی کمتری دارند، نظیر تعرض کلامی. «sexual assault» نیز مشابه کلمات قبلی است که در این مطلب آن را به واژه «تعرض جنسی» ترجمه نموده‌ایم. اما به طور دقیق‌تر، «assault» به مواردی گفته می‌شود که دارای بار فیزیکی بیشتری است، مانند لمس کردن قربانی بدون رضایت او. اما «rape» به معنای تجاوز و رابطه جنسی بدون رضایت قربانی است که خشن‌ترین و فیزیکی‌ترین نوع خشونت جنسی است. بنابراین در بیان آمار، «harassment» شامل «assault» و «rape» نیز می‌شود.



آمار و ارقام مربوط به انواع تجاوزات و تعرضات جنسی اروپا

طی آماري که در سال ۲۰۱۶ توسط ایندپندنت منتشر شد، ۸۰ تا ۱۰۰ درصد مردم سوئد و دانمارک اذعان داشتند که در دوره بزرگسالی حداقل یکبار آزار جنسی را تجربه کرده‌اند. ۶۰ تا ۷۹ درصد مردم آلمان، فرانسه و انگلستان نیز این موضوع را بیان کرده‌اند. این در حالی است که سوئد در کل جهان، پیش‌تاز امر آموزش‌های جنسی از سنین کم بوده و در حال حاضر نیز این آموزش‌ها در اکثر نقاط این کشورها برقرار است.^۱

Where sexual harassment is most prevalent in the EU
% of people who have been sexually harassed as adults



سوئد

در سال ۲۰۱۷، ۶۸۱۰ مورد تجاوز جنسی و ۲۲۰۰۰ جرم جنسی به پلیس این کشور گزارش شده‌است. از مجموع ۲۰۲۸۴ مورد جرم جنسی گزارش شده در سال ۲۰۱۶، تنها ۱۱۹۰ متهم، مجرم شناخته شدند و از مجموع ۲۸۸۳ مورد تجاوز گزارش شده به پلیس، تنها در ۱۷۱ مورد، متهم، مجرم شناخته شده‌است.^۴

آمریکا

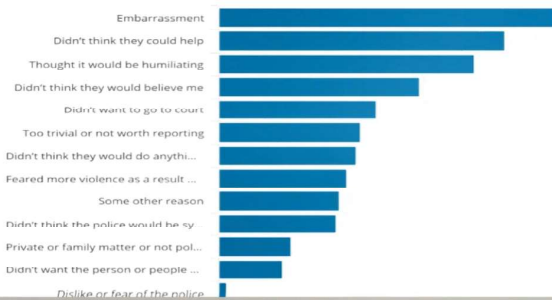
طبق اعلام سایت رسمی rainn، از هر شش زن، یک نفر در طول عمر خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته که ۱۴ درصد آنان تجاوز جنسی کامل را تجربه نموده و مابقی در معرض تلاش برای تجاوز کامل قرار گرفته‌اند که محقق نشده‌است.

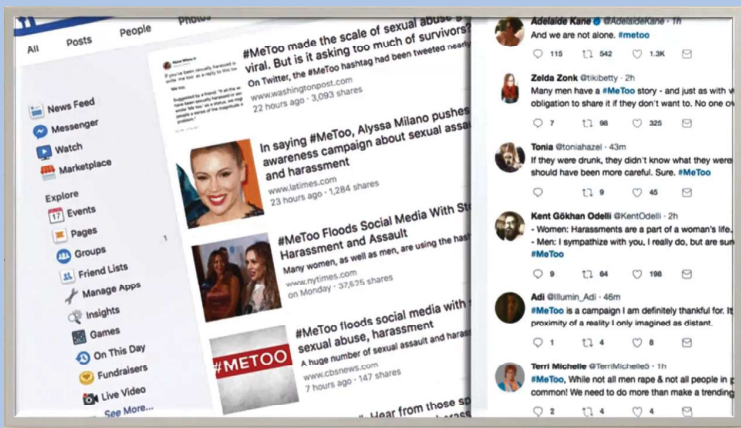
Figure 14: Reasons why victims aged 16 to 59 of rape or assault by penetration (including attempts) experienced since age 16 did not tell the police

Year ending March 2017, Crime Survey for England and Wales

Figure 14: Reasons why victims aged 16 to 59 of rape or assault by penetration (including attempts) experienced since age 16 did not tell the police

Year ending March 2017, Crime Survey for England and Wales





جنبش «من هم همین‌طور» Metoo

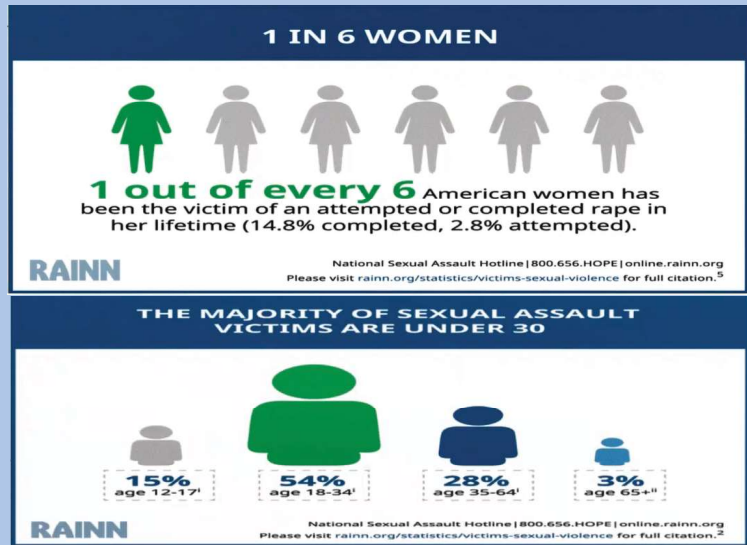
از جمله رویدادهای مرتبط در بحث تجاوزات، جنبش Metoo است که از آمریکا آغاز و به سایر نقاط دنیا کشیده شد. خلاصه ماجرای این جنبش، شکایت (رسمی یا صرفاً رسانه‌ای) بسیاری از بازیگران زن هالیوود از مردان فعال هنری به دلیل تجاوز و تعرض جنسی است. بسیاری از بازیگران و حتی غیر بازیگران هم به این جنبش پیوستند و اذعان داشتند که همگی مانند «رز مک گوان» مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. تعدادی از هنرمندان و مدیران نیز در پی این افشاگری‌ها مجبور به استعفا شده یا برکنار شدند (نظیر هاروی واینستین و کوین اسپیسی). این موج پس از مدتی به اروپا نیز کشیده شد و بسیاری از زنان اروپایی به ویژه بازیگران، تجربیات مشابهی را بیان کردند. این هشتگ در بازه‌های کوتاه، ترند اول توییتر شد و افشای تجاوزات جنسی در قشر هنرمندان اروپا و آمریکا و حتی غیر هنرمندان همچنان ادامه دارد.^۱

1-<https://www.independent.co.uk/news/world/europe/sweden-and-denmark-have-highest-number-of-sexual-assaults-in-europe-a6800901.html>
 2-<https://rapecrisis.org.uk/statistics.php>
 3-<https://www.ons.gov.uk/peoplepopulationandcommunity/crimeandjustice/articles/sexualoffencesinenglandandwales/year-endingmarch2017>
 4-<https://www.bra.se/bra-in-english/home/crime-and-statistics/rape-and-sex-offences.html>
 5-<https://www.nsopw.gov/en/Education/FactsStatistics?AspxAutoDetectCookieSupport=1>

۶-گردآوری شده از: دوره توانمندسازی کنشگران حوزه خانواده، جرائم جنسی، مدرس: آقای محمدعلی صادقی

این آمار را مرکز رسمی NSOPW (مرکز ملی و عمومی ثبت جرائم جنسی آمریکا) تایید نموده‌است. طبق آمار این مرکز، ۲۰ میلیون نفر از زنان آمریکایی، تجاوز جنسی را تجربه نموده‌اند که معادل ۱۸ درصد از جمعیت زنان این کشور است. طبق اعلام مرکز ملی عمومی ثبت جرائم جنسی آمریکا، تنها ۱۶ درصد از کل موارد تجاوز جنسی به مراجع قانونی گزارش داده می‌شود. تنها در سال ۲۰۰۶، ۳۰۰۰۰۰ دانشجوی زن مورد تجاوز قرار گرفته‌اند که ۱۲ درصد از این تعداد گزارش شده‌است. ۲۸ درصد از تجاوز جنسی مردان مربوط به اشخاصی است که اولین تجربه‌شان مربوط به ۱۰ سالگی یا قبل از آن بوده‌است. از هر شش پسر، یک نفر و از هر چهار دختر، یکی در سن زیر ۱۸ سال سوء استفاده جنسی را تجربه نموده‌اند. تنها ۳۰ درصد از تجاوزات جنسی (به معنای عام‌تر: assault) به مسئولین و مراکز گزارش می‌شود. در سال ۲۰۱۲، ۶۲۹۳۹ پرونده سوء استفاده جنسی از کودکان گزارش شده‌است.^۲

حدوداً ۷۰ درصد تجاوزات، مربوط به فاصله سنی ۱۲ تا ۳۴ سال است:



مریم محمدی / ۹۸ مود



برای انسان

وجود قوانین مصونیت‌آور برای زنان و... عوامل متعددی هستند که خشونت خانگی را موجب می‌شوند. یکی از مواردی که کم‌تر تا به حال شنیده‌ایم؛ فقدان یک روح توحیدی بر افعال و کارهای زندگی است! روحی که مجوز کوچک‌ترین ظلم و ناحق‌ای را ندهد و «آن اگر مکتب عندالله اتقیکم» را ریل همه‌ی حرکات بعدی بداند. روح توحید، زندگی را بهشت می‌کند و روح غیرتوحیدی، دقیقاً همین آمارها و اتفاقات عجیب و غریب سراسر دنیا را نمایانگر است!

از همه‌ی این‌ها که بگذریم، باید توجه کنیم که پرداختن ما به موضوعی چون «آرامش زن» چقدر ضروری‌ست؟ چقدر مهم است؟ چقدر در اولویت است؟ آیا وقت تلف کردن نیست که به این موضوع، بها بدهیم؟! یا دقیق‌تر بپرسیم! توجه به آرامش زن در خانه، ما را به هدف نهایی‌مان نزدیک‌تر می‌کند یا خیر؟ جواب نسبتاً واضح است! قله‌ی ما کجاست؟ مگر نه این‌که قله‌ی ما، همان تمدن اسلامی‌ست؟ پس توجه‌مان به این مباحث هم، از جنس تمدن‌سازی‌ست؛ در رقابت کورکورانه با دنیا نیست که به خودکم‌بینی دچار شویم! دکوری نیست که به معضلات پیشین گرفتار شویم و...

راه ما، نه یک کلمه بیش‌تر است و نه یک کلمه، کم‌تر؛ راه ما همان سبک زندگی اسلامی‌ست که یکی از الزامات اساسی‌اش، آرامش زنان و منع خشونت علیه آنان در محیط خانه است. «انسان» مهم‌ترین هدف سیستم سبک زندگی اسلامی‌ست و سلامت یک انسان، جز با وجود یک خانواده‌ی سالم محقق نمی‌شود و زن، در این‌جا یکی از عناصر مهم نیست و اتفاقاً مهم‌ترین عنصر است. هر چه در این راه، تلاش کنیم کم است چرا که تلاش برای «انسان»، هدف ماست!

یک‌راست سر اصل مطلب برویم! آیا حفظ خانواده برای ما، یک دغدغه و یک ارزش، تلقی می‌شود؟!

بعید است جواب این سوال، یک «نه» ی محکم باشد و بر سر قوام و بالابودن شان خانواده، اتفاق نظری میان عمده‌ی ما، وجود دارد. چرا؟ چون احتمالاً بخش عمده‌ی «کیستی ما» حول خانواده شکل گرفته‌است. بعلاوه این‌که به تجربه دیده‌ایم که افراد جامعه‌ی سالم، خروجی‌های خانواده‌ی سالم هستند. دعوا اما سر این است که «چطور خانواده را حفظ کنیم؟!» در دید اول اگر این حرف ما را یاد سمینارها و مقاله‌ها و طرح‌های کلان کم‌بازده نیندازد، عجیب است! راهکارهایی کاریکاتوری و عجیب غریب که بعضی وقت‌ها، در عقل‌مان هم نمی‌گنجد! (اما به هر حال خانواده را باید حفظ کرد!!)

به اطراف‌مان با دقت بیشتری باید نگاه کنیم. ندیده‌ها را بیشتر ببینیم. عناصر کم‌رنگ پر اهمیت را پررنگ کنیم و... زمانی که مشغول متمرکز کردن خانواده‌ی سالم بودیم، چه معیارهایی از چشم ما پنهان مانده؟ چه نکاتی را طبق عرف و ذهنیت‌های پوسیده‌مان، از دم تیغ گذرانده‌ایم؟! قطعاً یکی از آن موارد، آرامش و سکونت زن در خانواده بوده‌است! قطعاً یکی از آن موارد، نقش بسیار پررنگ و خوش‌رنگ زنان، در خانواده و نشاط‌بخشی به اعضای خانواده و به تبع آن، جامعه بوده‌است! چرا این‌ها را ندیده‌ایم؟! نمی‌دانم! شاید توجه ما، مدیریت شده‌است...!

یکی از عوامل سلب آرامش زنان در خانه، عدم امنیت و کرامت و جایگاه متناسب با شان یک زن، در خانه است. خشونت خانگی عوامل متعددی می‌تواند داشته باشد. جهل، عدم فرهنگ‌سازی مناسب، فقر و شرایط اجتماعی، عدم

این‌ها ظلم است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اجتماع یک صد هزار نفری بانوان ایرانی که در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام (۱۳۷۶/۰۷/۳۰) در ورزشگاه آزادی برگزار شد، ضمن تبیین جایگاه حقیقی زن در اسلام، به تشریح برخی از مصادیق ظلم به زنان پرداختند. بخش «ریحانه» در این اطلاع‌نگاشت این سخنان را مرور می‌کند.

● فراهم نکردن زمینه‌ها برای شکوفاشدن استعداد های زن



● فرصت پیدا نکردن زن برای خودسازی دینی، اخلاقی و معرفتی به خاطر مشغله کاری



● عدم اجازه به زن برای برقراری رابطه عاطفی با فرزندان در محیط خانواده یا پس از طلاق



● عدم استقلال زن در استفاده از دارایی های خود



● جلوگیری از دستیابی زن به علم و تحصیلات صحیح



● ندادن حق انتخاب به زن در ازدواج





بزرگترین حق‌گشی!

در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه شخصیت پیدا کند، حتماً باید جذابیت‌های جنسی خودش را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش زن باید جوری باشد که برای مرد، چشم‌نواز باشد. به نظر من بزرگترین ضربه، بزرگترین اهانت و بزرگترین حق‌گشی در مسئله‌ی زن، همین است.



سید علی خامنه‌ای

رهبرانقلاب
۹۵/۵۳/۵۱

زینب بینات / ۹۷ شیعه کاربردی



حواسستان هست؟!

سکانس اول

ساعت ۸ شب هوا بارانی است. پدر کمی دیر کرده است احتمالاً به خاطر ترافیک روزهای بارانی است. به نظر می‌رسد مادر حوصله‌ی چیزی را ندارد چون نه خبری از عطر چای تازه است و نه خبری از برنج در حال دم کشیدن. کودک صدای مادر را که با فردی پشت تلفن صحبت می‌کند، می‌شنود. صدای مادر پر از بغض است. به فرد پشت گوشی می‌گوید دیگر خسته شده است و تحمل این میزان از بی‌تفاوتی را دیگر ندارد. می‌گوید شاید جدایی او را نجات دهد. کودک در خود فرو می‌رود. با خود می‌گوید مگر پدر او بی‌تفاوت است؟ همین هفته‌ی پیش بود که پدر برایش عروسک آرزوهایش را خرید یک عروسک موفرفری با دامن آبی پُرچین...

سکانس دوم

بچه‌ها در خانه‌ی مادر بزرگ جمع هستند. با تکه پارچه‌های جمع شده‌ی حاصل از خیاطی مادر بزرگ عروسک درست می‌کنند قرار است بازی کنند. یک نفر مادر می‌شود یک نفر پدر و یک نفر... کودک در انتهای بازی سعی می‌کند داستان عروسک‌ها را به یک دعوا و شاید یک جدایی ختم کند. هم‌بازی‌اش می‌گوید: خسته نشدی از اینکه این قدر به دنبال جدایی در بازی‌ها هستی؟ جمله در خاطر کودک می‌ماند.

سکانس سوم

ساعت ۹ صبح اولین زنگ تفریح مدرسه، کودک در حیاط راه می‌رود. کودکی دیگر از پشت به او حمله می‌کند و سعی دارد مقنعه او را بکشد.

کودک تنها بی‌صدا گریه می‌کند و دلیل اضطراب بی‌اندازه‌ی خود را نمی‌داند و دوباره در خود فرو می‌رود. ناظم بالاخره به داد او می‌رسد. سوار سرویس می‌شود. در ذهنش می‌گذرد چرا دفاع نکرد؟ وارد خانه می‌شود منتظر است مادر بیاید تا داستان را برایش تعریف کند. حدود ساعت ۲ مادر می‌رسد. کمی بعد کودک حادثه روزش را می‌گوید اما مادر متوجه این زنگ خطر نمی‌شود.

سکانس چهارم

کودک حالا نوجوان شده است. زنگ آخر می‌خورد. برای آخرین بار خودش را در آینه‌ی جیبی‌اش چک می‌کند. لبخندی می‌زند. به نظرش زیبا شده است. با چشمانی پر از شادی یواشکی خودش را به پراید هاچ‌بک پشت مدرسه می‌رساند. خدا را چه دیدی؟ شاید توانست در این ماشین و کنار این فرد حس‌های جبران نشده در کنار والدینش را جبران کند. چه جبرانی هم!!!

سکانس پنجم

دوباره صدای دعوا می‌آید. او دیگر عادت کرده است که هنگام دعواها به اتاقش برود که با هزار ترفند مثل آهنگ گوش دادن، مثل پنجره را باز کردن که صدای ماشین‌ها بیاید مثل... دیگر صدای دعوا را نشنود. آخر او از اینکه میان دعوا مجبور شود قضاوت‌گر دعوی مادر و پدرش شود می‌ترسد، از اینکه قرار باشد حرف‌های مادرش را که شاید قلب او را به درد می‌آورد به گوش پدرش درون اتاقی دیگر برساند و متقابلاً جواب را مانند کبوتر نامه‌رسان برای مادرش بیاورد، می‌ترسد. آخر مگر قرار بود در سن نوجوانی شب‌هایش این گونه بگذرد؟





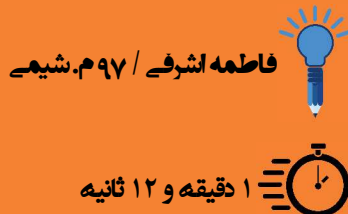
اعتماد به نفس،
تنبلی، بازگوشی
و... فرزندان ربط
دهید. والدین
داستان ما به
طرز ناشیانه‌ای به
تاثیرات دعوی
خود توجه نداشتند
و ناشیانه‌تر
اینکه فرزند خود
را وارد دعوی
خود کرده‌بودند و

گاهی نیز یکی از دو والد شروع به بدگویی از والد دیگر در غیابش می‌کرد. شاید به خیالش با فرزند خود درد و دل می‌کرد. این کار از دو جهت دارای مشکل است: اول اینکه ممکن است فرزند نسبت به والد دیگر خود دارای حس تنفر شود و دوم اینکه استرس‌های ناشی از صحبت‌های شما به او منتقل شود. پس لطفاً فرزندان را وارد دعوی خود نکنید و برای حل مشکلات خود به مشاور مراجعه کنید.

تاثیرات دعوی والدین را می‌توان از گوشه‌گیری‌های کودک هنگام دعوا و یا برعکس، گریه‌ی او در زمان دعوا فهمید. در مواردی هم کودک دچار ترس می‌شود و ممکن است این مسئله برای او در شرایط دیگر نیز پیش بیاید مانند دعوا بین هم سن و سالان خودش که ممکن است در دعوا نقش منفعل داشته باشد و در برابر هرچه به سرش می‌آید واکنش خاصی نشان ندهد. اگر والد هستید دعوی خود را در زمان عدم حضور فرزندان انجام دهید اگر فرزند ندارید، نقطه امنی شوید و مراقب کودکان نزدیکتان باشید. در آخر برمی‌گردیم به سوال اولمان حواستان به زنگ خطرهای کودکان اطرافتان هست؟

سکانس ششم

ساعت ۹ زنگ تفریح می‌خورد. هم‌زمان صدای بلندگو می‌آید که می‌گوید: خانم ن.ح به دفتر! مقنعه‌اش را صاف می‌کند... تق تق... صدای بفرمایید به آرامی می‌آید. وارد می‌شود. خبری از ناظم نیست. بلکه مشاور با او کار دارد. به نظر می‌رسد سر مشاور خیلی شلوغ است. چون تنها سرش را بالا می‌آورد. سلامی می‌کند و دوباره مشغول می‌شود. تعجب نمی‌کند چون مشاور در مدرسه آن‌ها تنها مشاور نبود، بلکه گاهی کارهای پرورشی انجام می‌داد، گاهی کارهای اداری مدرسه را انجام می‌داد، خلاصه شاید هر چیزی بود جز مشاور. مشاور آن قدر سرش شلوغ بود که انتظاری نمی‌رفت به سیاهی زیر چشمانش دقت کند. ولی شاید می‌توانست بگوید بنشینند. بگذاریم، کودک درون او دوباره به خاطر ترس گوشه‌ی دلش کز می‌کند. مشاور بالاخره به حرف می‌آید. از او می‌پرسد چرا نمرات میان ترم او این‌گونه شده‌است؟ برای فرار از بحث، از همان اول می‌گوید که جبران می‌کند. مشاور می‌گوید آیا مشکلی دارد؟ او با سر و زبان می‌گوید نه. مشاور دیگر پیگیری نمی‌کند و اجازه می‌دهد برود و امان از این پیگیری نکردن‌های سهل‌انگارانه‌مان... چقدر توانستید خودتان را درون داستان نیمه‌کاره‌ی ما قرار دهید؟ احتمال دارد خودتان این داستان را تا پايانش تجربه کرده‌باشید و یا روح لطیفتان هیچ وقت این داستان را تجربه نکرده باشد که در این صورت باز هم با شما کار داریم شاید حتی بیشتر. تا به حال به بازخوردهایتان هنگام دعوی والدیتان دقت کرده‌اید؟ اگر مادر یا پدر هستید، تاثیرش را بر روی فرزندان دنبال کرده‌اید؟ یا این قدر مشغول هستید که وقتش را ندارید؟ شاید هم فرزندان در تخیلات آن قدر قوی هست که روحش در مقابل دعوای شما آسیب نبیند. اما واقعیت چیست؟ واقعیت این است که تاثیر دعوی والدین در این‌گونه مسائل گاهی بسیار پنهان است. مثلاً ممکن است تاثیر آن در سناریوهای بازی کودک قابل مشاهده باشد ولی آیا این قدر تیزبین هستید؟ و یا ممکن است به دلایلی چون



معرفی کتاب

آفرت^۱ داستان رنج‌های دخترکان دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ است. برای همین فرقی نمی‌کند که از تهران روایت شود، یا فرنگیس از کرمانشاه نقش اول داستان باشد. این رمان که نوشته‌ی ناهید قادری حاجی آبادی است، داستان زندگی دختری کرد به نام فرنگیس است که در خانه سرهنگی کار می‌کند و خرج زندگی خانواده‌اش را از این راه در می‌آورد. فرنگیس بیست ساله به لطف دختر سرهنگ، دارد دیپلم می‌گیرد و امیدی برای ازدواج ندارد چرا که در ده آن‌ها مردها دوست ندارند با دختری ازدواج کنند که زندگی‌اش را با کلفتی خانم و آقاهای شهری گذرانده و هزار جور رنگ و رو یاد گرفته، هرچند خود فرنگیس هم به خاطر چند کلاس سوادی که دارد دیگر علاقه‌ای به ازدواج با مردهای آبادی ندارد. اما این ناامیدی با سر رسیدن مهمان سرزده‌ای به خانه‌ی سرهنگ تغییر رنگ می‌دهد و تبدیل به مبارزه‌ای عاشقانه می‌شود.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «چقدر دلم می‌خواهد ببینم چه می‌گوید. کدام آدم است که دو ماه از غم مسلمانی نخواست. چقدر دلم می‌خواهد ببینمش و از دردهایم برایش گریه کنم. چقدر دلم می‌خواهد من هم گاهی مثل او باشم. روسری هدیه‌ی حاج نصرت را می‌گیرم. خوش به حال حاج نصرت و فرهاد! خوش به حال من! برای چیزهایی که دارم و می‌خواهم تک تکشان را بخوانم و گوش دهم. من این آقا را دوس دارم. آقای که دنیا آرزویش نیست و خدا را همه جا می‌بیند.»

این رمان در سال ۱۳۹۶ برنده جایزه قلم زرین شده است.



ظلم پنهان در

کودک همسری

منصوره جعفری / فارغ التحصیل فیزیک



۶ دقیقه و ۲۷ ثانیه



دولت دوازدهم همچون سال ۹۹ در حال اتمام است. دولتی که معاونت زنان در کنار یاران همراهی که در فراکسیون زنان مجلس داشت، توجه ویژه‌ای بر تغییر قانون حداقل سن ازدواج و رفع خشونت ناشی از ازدواج در سنین پایین متمرکز کرده‌بود. با گذشت چهار سال از آغاز این ماجرا، در این یادداشت تلاش کرده‌ایم مسیر طی شده را مرور کرده و به این پرسش‌ها فکر کنیم: آیا افزایش حداقل سن ازدواج خشونت ناشی از ازدواج در سنین پایین را کاهش می‌دهد؟ مگر در سنین کمتر از ۱۶ و ۱۸ سال چه خشونتی روی می‌دهد که برای بیشتر از آن رخ نخواهد داد؟ آیا ازدواج اجباری محدود به رده‌ی سنی خاصی است؟ و آیا اساساً تلاش برای بالا بردن حداقل سن ازدواج به منظور کاهش ازدواج اجباری بوده‌است؟

ماجرای چه بود؟

تلاش برای افزایش حداقل سن ازدواج، در واقع از نیمه‌ی دوم سال ۹۵ و با رونمایی از کتاب طنین سکوت (درمورد ازدواج زود هنگام در ایران) نوشته‌ی آقای کامیل احمدی در ۱۲ مهرماه آغاز شد. مجموعه‌ی رسانه‌ای توانا که درمورد محل تامین بودجه‌اش گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد؛ خبر این رونمایی را در صفحه‌ی فیس‌بوکش منتشر و برای اولین بار از عنوان ازدواج کودکان استفاده کرد.^۱ در آن نشست ادعا شد که آمار ازدواج دختران به اجبار یا اکراه با مردان با فاصله‌ی سنی بیست، سی، یا پنجاه سال در ایران بسیار بالاست. همچنین آمار طلاق بالا، مرگ و میر بالا در بارداری‌های زیر ۱۸ سال و... نیز از تبعات ازدواج در سن پایین برشمرده شد.

در ۲۰ آذر همان سال، جمعیت امام علی (ع) اولین سمینار کودک همسری را با بررسی ۵۹۴ مورد برگزارد و همان ادعاها را تکرار نمود. در ۲۳ آذرماه، برخی از نمایندگان مجلس نزد آیات عظام تقلید، مکارم شیرازی و نوری همدانی رفتند. در این جلسه، گزارش نشست‌های یک ماه قبل به آنان ارائه شده و درمورد ممنوعیت ازدواج زیر ۱۳ سال دختران سوال می‌شود. خانم ذوالقدر این‌گونه روایت می‌کنند: در حال حاضر ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سال با تبصره‌ای امکان پذیر است و ۴۲۰۰۰ ازدواج در رده سنی زیر ۱۸ سال داریم که مشکلات زیادی دارند. آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گویند: از نظر من این فتوا اشکال دارد و آیت‌الله نوری همدانی موضعی نمی‌گیرند.^۲ به این ترتیب مثلث تحقیق علمی، پژوهش آماری و شرع کامل می‌گردد تا اعضای فراکسیون زنان مجلس و رسانه‌ها با خیال راحت و دست پر، کار را جلو ببرند.

در تاریخ ۹۷/۶/۷ دادستان مشهد از عروسی یک دختر ۹ ساله جلوگیری می‌کند. چرا که طبق قانون فعلی، برای ازدواج دختران زیر ۱۳ سال باید از دادگاه حکم رشد گرفته بشود و در صورتی که این کار صورت نگیرد، از ازدواج ممانعت به عمل خواهد آمد. ناگهان خانم‌ها سلحشوری، ذوالقدر، سیاوشی و ابتکار از معاون دادستان بابت این اقدام معمولی و قانونی تشکر می‌کنند. در ۹۷/۶/۱۲ خانم سیاوشی (عضو کمیسیون فرهنگی وقت) در مصاحبه‌ای اعلام می‌کنند: سالانه تعداد زیادی از کودکان به همسری افراد بزرگ‌تر و مسن‌تر از خودشان در می‌آیند دو سوم این کودکان دچار بیماری‌های سرطانی می‌شوند. سپس با خانم ابتکار و آقای احمدی و برخی دیگر، جلساتی می‌گذارند تا طرحی را در این مورد به مجلس برسانند. در ۴ مهر سال ۹۷، طرح افزایش سن ازدواج در مجلس مطرح می‌شود.

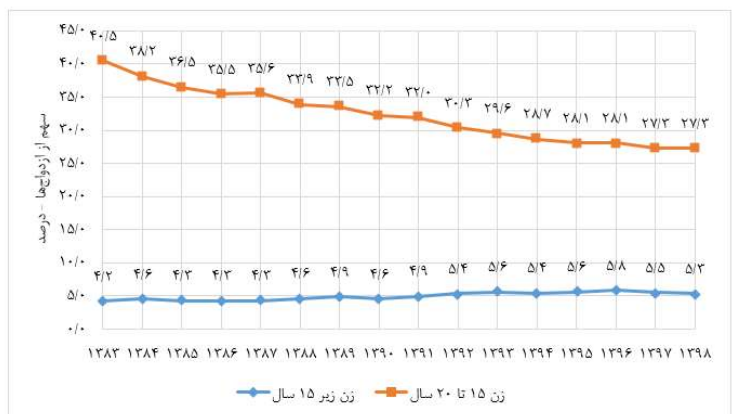
با مطرح شدن گزارشات مربوط به کتاب آقای احمدی، نتیجه‌ی سمینار جمعیت امام علی (ع) و نظر آیت‌الله مکارم شیرازی در کنار این طرح، یک فوریت آن در صحن مجلس رای بالایی می‌آورد و به کمیسیون حقوقی و قضائی و مرکز پژوهش‌های مجلس ۳ ماه وقت بررسی داده می‌شود.

اما گزارش مرکز پژوهش‌ها چه بود؟^۳ در ابتدای امر، طبق آمار مربوط به سال ۹۵ مشخص شد که رده‌ی سنی دختران ۱۵ تا ۱۹ سال با ۱۹۶۵۲۹ مورد و رده‌ی سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با فراوانی ۲۰۴۲۰۲ مورد ازدواج، بالاترین آمار ازدواج در کشور را دارند. همچنین ازدواج‌های زیر ۱۴ سال چند سال اخیر را که بررسی می‌کنیم تغییری که بشود از آن بعنوان بحران یاد کرد؛ نمی‌بینیم. با بررسی آمار ثبت احوال، مشاهده می‌شود برخلاف آنچه ادعا شده بود، از ۴۰ هزار ازدواج زیر ۱۴ سال ۲۲ هزار مورد، فاصله سنی ۱۰ تا ۱۴ سال داشته‌اند و تنها در ۶ مورد اختلاف سنی بالا و حدود ۵۰ سال است.

۱-۲- تعداد ازدواج ثبت شده بر حسب سن مردان و زنان در زمان ازدواج^(۱)

دوره	مردان					زنان				
	کمتراز ۱۵ سال	۱۹-۱۵ ساله	۲۹-۲۰ ساله	۳۹-۳۰ ساله	۴۰ ساله و بیش‌تر	کمتراز ۱۵ سال	۱۴-۱۰ ساله	۱۹-۱۵ ساله	۲۹-۲۰ ساله	۳۹-۳۰ ساله و بیش‌تر
سال ۱۳۹۵	۲۸	۲۴۶۰۲	۴۴۱۷۸	۱۵۸۳۹۱	۲۴۸۲۰	۲۰۸۵۶	۲۵۵۱۶	۱۸۷۴۴۵	۲۳۸۵۵۴	۹۵۱۷۸
سال ۱۳۹۶	۴۱	۲۲۰۸۱	۳۹۵۳۳	۱۵۳۳۰۸	۲۴۴۶۸	۲۰۵۷۰	۲۳۳۰۸	۱۶۸۹۵۶	۲۸۹۴۲۲	۹۳۷۵۵
سال ۱۳۹۷	۲۶	۱۹۸۸۰	۳۴۳۳۷	۱۴۶۸۳۳	۲۴۲۵۹	۲۰۴۹۹	۳۰۴۴۲	۱۵۰۶۰۱	۲۵۵۳۶۵	۹۰۴۰۸
سال ۱۳۹۸	۱۹	۱۸۷۱۷	۳۳۱۰۷۷	۱۴۵۴۰۰	۲۴۲۶۱	۲۰۲۴۱	۲۸۱۸۹	۱۴۴۶۵۴	۲۳۹۷۱۲	۸۹۹۵۹
بهار ۱۳۹۷	۱۴	۵۹۰۰	۱۰۳۰۹۲	۴۱۱۵۵	۶۳۷۸	۵۰۹۶	۹۰۲۳	۴۴۷۵۴	۷۲۳۷۴	۲۵۰۱۶
تابستان ۱۳۹۷	۵	۵۹۶	۱۰۴۹۰۷	۴۲۰۲۶	۶۳۷۴	۵۲۵۲	۹۳۱۹	۴۶۶۶۴	۷۶۹۱۳	۳۱۵۰۶
پاییز ۱۳۹۷	۳	۳۹۱۷	۶۳۳۶۶	۲۳۳۶۶	۶۳۳۶	۵۰۱۷	۵۸۳۱	۴۷۹۱۱	۲۸۰۴۳	۱۷۵۳۹
زمستان ۱۳۹۷	۴	۴۱۳۸	۷۱۷۰۰	۳۳۷۲۱	۶۱۳۶	۵۲۸۷	۶۳۷۰	۳۱۱۵۱	۵۵۴۹۹	۲۱۷۰۸
بهار ۱۳۹۸	۱۰	۵۱۱۲	۹۰۲۰۱	۳۹۰۶۶	۶۱۹۷	۴۹۳۲	۸۰۰۱	۳۸۹۵۹	۶۷۸۷۹	۲۴۰۹۱
تابستان ۱۳۹۸	۲	۵۲۶۴	۹۳۳۸۸	۴۰۹۱۷	۶۳۶۶	۵۷۷۵	۸۰۱۶	۴۲۹۱۳	۶۸۳۲۱	۲۵۱۴۶
پاییز ۱۳۹۸	۲	۴۱۷۷	۶۸۸۴۴	۳۱۵۱۳	۵۶۵۵	۴۷۰۷	۶۲۱۰	۳۱۷۳۶	۵۱۰۲۶	۱۹۵۳۶
زمستان ۱۳۹۸	۵	۴۰۶۹	۶۸۶۱۲	۳۳۵۳۲	۶۲۰۵	۵۰۸۱	۵۶۶۸	۳۱۱۰۶	۵۲۵۵۲	۲۱۳۳۸
بهار ۱۳۹۹	۵	۴۸۴۴	۷۷۶۶۳	۳۴۵۷۸	۵۷۹۰	۴۵۰۸	۷۲۳۳	۳۶۰۱۳	۵۶۶۶۶	۲۱۰۵۳

(۱) اختلاف احتمالی در جمع آمارهای فصلی با آمار سالانه به دلیل اختلاف در تاریخ گزارش‌گیری از پایگاه می‌باشد. ملاحظه سازمان ثبت احوال کشور.



ریند تغییرات سهم گروه‌های سنی زیر ۱۵ سال و ۱۵ تا ۲۰ سال از ازدواج زنان

همچنین آمار می‌گوید نسبت طلاق به ازدواج ۱۰-۱۴ ساله‌ها در سال‌های ۹۱ تا ۹۵، تنها در حدود ۳ درصد بوده‌است. درحالیکه در رده‌ی سنی بالای ۳۰ سال، آمارها ۳۰ تا ۵۰ درصد طلاق نشان می‌دهند! و برخلاف ادعایی که عمدتاً با عنوان: کودک همسران آماده‌ی زایمان یا نه؟ به ذهن متبادر می‌شود؛ مرگ و میر مادران زیر ۱۸ سال هنگام زایمان، تنها یک درصد از کل آمار است!^۴ هرچند هوچی‌گران حوزه‌ی زنان فشار نهادهای مختلف و شرع را عامل رای نیابردن این طرح خواندند؛ به این ترتیب و با پژوهش آماری که مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه نمود، ادعاهای طرح شده برای لزوم افزایش یافتن

پذیرفته و اجرایش می‌کنند؛ ازدواج افراد کمتر از ۱۸ سال از آنجا که به زعم آن‌ها کودک هستند، باید ممنوع شود. به همین دلیل این همه تلاشی شد تا حداقل سن ازدواج قانونی در کشور به ۱۶ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران، افزایش پیدا کند. حال آن‌که در کنوانسیون حقوق کودک ذکر شده است که سن بلوغ متناسب با قوانین کشورها می‌تواند کمتر از ۱۸ نیز تعیین شود!

ظلم نرفته در کودک همسری که هرگز دیده نشد!

پس از آنکه فهمیدیم تلاش‌گران عرصه‌ی افزایش سن ازدواج کودک را چگونه معنی کرده‌اند، حالا وقت پرسش‌های دیگر است. آیا اصلاح ماده‌ی ۱۰۴۷ قانون مدنی ازدواج‌های اجباری را خاتمه خواهد داد؟ آیا قانونی که در تهران تصویب می‌شود روی عشیره‌های بزرگ دور از مرکز کشور نفوذ اجرایی دارد؟ من هم مانند هر انسان عاقلی مخالف اجبار در ازدواج، این مهم‌ترین تصمیم زندگی هستم. اما آیا با غیر قانونی کردن ازدواج‌های کمتر از ۱۳ سال می‌توان جلوی ازدواج اجباری دختران بیست و چند ساله را هم گرفت؟ با وجود قانون فعلی و ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال چرا هنوز هم ازدواج غیر ثبتی داریم؟ آیا غیر از این است که با ایجاد ممنوعیت قانونی، دور زدن قانون و ازدواج‌های شرعی ولی ثبت نشده، عمومیت بیشتری می‌یابد؟ آیا به از دست رفتن پشتوانه‌ی قانونی دخترانی که در این سنین ازدواج می‌کنند فکر شده است؟ دختری که به اجبار ازدواج کرده آن هم غیر ثبتی، چگونه مشکلش را حل کند؟ کاش مسئولینی که سنی از شان گذشته و دگرگونی‌هایی که در زیست جنسی جوانان کشور بوجود آمده است را درک نمی‌کنند به این سوال پاسخ بدهند که اگر تنها راه عقلی، تعهددار و شرعی ارضای نیاز جنسی را محدود کنند؛ با وجود فاصله‌ی بسار زیادی که بین سن بلوغ و میانگین سن ازدواج هست (بیش از ۱۰ سال)، چه راهکار جایگزینی برای جامعه دارند؟

برخی ادعا می‌کنند از آنجایی که از ۱۸ سالگی گواهینامه می‌گیریم، رای می‌دهیم و... پس چه بهتر که ازدواج هم از آن به بعد رخ دهد. اما آیا واقعا منطقی است؟ مگر زمانی برای رفع نیاز به آب و غذا مشخص می‌کنیم که برای تنها راه شرعی پاسخگویی به نیاز عاطفی و جنسی حداقل سن تعیین می‌کنند؟ بیایید ذهنمان را از عناوین جعلی رسانه‌ها خالی کنیم و ببینیم تکلیف آن دختران و پسرانی که تن به دوستی‌های بی‌سرانجام نمی‌دهند، گول دوگانه‌ی خودارضایی سالم و ناسالم را نمی‌خورند و می‌خواهند متعهدانه باهم زندگی کنند، چیست؟ آیا افزایش حداقل سن ازدواج، ظلمی در حق آنان نیست؟!

حداقل سن ازدواج زیر سوال رفته و این طرح در دی‌ماه ۹۷ در مجلس رد شد. اما نکته‌ی جالب آنجاست که پس از سه سال، خانم ابتکار در تاریخ ۹۸/۶/۹ در هفتمین کنفرانس تخصصی حقوق کودک که در اصفهان برگزار شده بود؛ گفتند که آمار کودک همسری در ایران کم است و اصلا معضل عمده نیست!!^۱

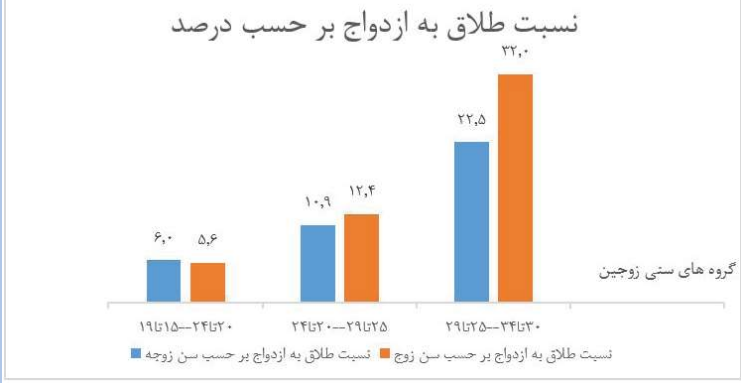
پس اصل ماجرا چه بود؟!

با وجود این اظهار نظر خانم ابتکار و آمارهای موجود، سوالی که پیش می‌آید این است که اگر ازدواج دختران زیر ۱۳ سال معضل عمده‌ی کشور نیست، پس چرا سه سال از وقت مجلس پایش صرف شد؟ چرا بجای تمرکز روی حل کردن مشکل ازدواج میلیون‌ها جوان بیست و چند ساله و اجرا کردن قانون تسهیل ازدواج، این سیاست اتخاذ شد؟ پاسخ ساده است! کنوانسیون‌های بین‌المللی؛ طبق اسناد بین‌المللی که دولتی‌های ما آشکارا و مخفیانه بسیاری از آن‌ها را

۱۱-۲- تعداد طلاق ثبت شده بر حسب سن مردان و زنان در زمان طلاق

دوره	مردان				زنان			
	کمتر از ۱۵ سال	۱۹-۱۵ ساله	۲۹-۲۰ ساله	۴۰ ساله و بیشتر	کمتر از ۱۵ سال	۱۹-۱۵ ساله	۲۹-۲۰ ساله	۴۰ ساله و بیشتر
سال ۱۳۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سال ۱۳۹۶	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سال ۱۳۹۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سال ۱۳۹۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بهار ۱۳۹۷	۱۷۷	۱۱۰۶۱	۱۶۹۸۵	۷۰۴۶	۳۴۵۷	۱۴۹۷۲	۱۳۶۹۷	۷۱۴۴
تابستان ۱۳۹۷	۲۴۸	۱۲۵۱۱	۱۹۵۷۹	۸۶۷۷	۵۲۹۶	۱۷۰۲۰	۱۶۲۵۴	۸۷۴۹
پاییز ۱۳۹۷	۲۲۸	۱۲۲۲۰	۱۸۸۸۹	۸۵۳۷	۵۲۷۱	۱۵۷۲۹	۱۶۵۵۸	۸۶۶۶
زمستان ۱۳۹۷	۲۱۰	۱۲۷۹۷	۱۹۳۶۳	۸۵۰۵	۴۹۶۵	۱۷۰۶۸	۱۵۸۷۸	۸۴۶۴
بهار ۱۳۹۸	۱۸۱	۱۰۱۲۰	۱۶۷۷۶	۷۱۷۷	۴۴۶۱	۱۳۵۲۰	۱۳۹۲۲	۷۴۱۱
تابستان ۱۳۹۸	۱۹۰	۱۱۴۲۸	۱۹۳۰۵	۸۷۷۷	۴۹۲۵	۱۶۱۴۷	۱۶۲۳۹	۸۴۵۵
پاییز ۱۳۹۸	۱۸۱	۱۱۶۲۵	۱۹۸۷۳	۹۱۷۲	۴۹۸۷	۱۶۲۴۸	۱۶۲۴۸	۸۸۷۵
زمستان ۱۳۹۸	۱۸۱	۱۱۳۰۳	۲۰۰۰۰	۹۰۴۸	۴۹۶۶	۱۶۲۴۱	۱۶۲۴۱	۸۷۰۹
بهار ۱۳۹۹	۱۴۰	۱۲۵۲۴	۱۵۵۱۶	۷۱۷۱	۳۸۳۱	۱۲۲۱۱	۱۲۲۱۱	۶۶۶۰

ماخذ سازمان ثبت احوال کشور.



۱- مطالب رایبی از سخنرانی مرحوم حامد جلالی در سری نشست‌های آزاداندیشی «بهشت شهر» در سال ۹۸ اقتباس شده است.
 2- <https://icjournal.ca/post/us-funded-iran-disinformation-slendering-pro-peace-iranian-american-canadian-activists-journalists>
 3- <https://www.facebook.com/tavaana/posts/1531456450233696>
 4- <https://www.irna.ir/news/3646933>
 5- <https://www.icanair.ir/Fa/News/401463>
 6- باتوجه به انتشار سالنامه‌ی آماری ۹۷ در تصاویر آمار جدیدتر آورده شده است. آمار موجود در متن، در سالنامه‌ی آماری ۹۵ قابل دسترسی است.
 7- <https://www.isna.ir/news/94050502324>
 8- <https://www.irna.ir/news/83451971>
 9- <https://www.roshangari.ir/video/56037>

این‌ها مسلمانان

نیستند!



از حق اعتراض محروم کرده بود. مقطوع النسل؟! مگر من و خواهرم فرزندان او نبودیم؟ در نظام محاسبه‌گری آن‌ها تنها پسر، فرزند شمرده می‌شد. همه اینها باعث شد از دنیای خودم فاصله بگیرم و سعی کنم شبیه پسرها باشم، پسرانه لباس بپوشم و رفتار کنم. حتی احساسات خود را کنار گذاشتم چون باید پسر می‌بودم و نبودم. تبدیل به دختری پسرنا شدم که احساسات خودش را فرو خورده بود. تصمیم گرفتم هیچگاه فرزندی به دنیا نیآورم تا نکند دست مردمانی که این بالا را بر سر من آورده‌اند به موهای دخترم بخورد و احساساتم را تجربه کند و به تصمیمات من برسد. به راستی خدا در آن دنیا چگونه حقم را خواهد داد؟ چگونه این انسان‌ها ستم‌هایشان را جبران خواهند کرد؟ قتل نفس، گاهی قتل احساسات یک انسان است. راست راستی این‌ها مسلمانند؟ ایمان آورده به پیامبری که خود دختر خودش را ام‌اینها می‌خواند و حد محبتش به او ساحل نداشت، برای او از جا بلند می‌شد، دستانش را می‌بوسید و... نه مسلمانی که به ریش بلند و تسبیح در دست داشتن نیست. اینها مسلمان نیستند.

از خانه بیرون آمدم. خانه ای که در آن به دنیا آمده و بزرگ شدم و حالا که به دهه سوم زندگی ام رسیده‌ام، آن را آخرین مامن خویش در این دنیا می‌یابم. جایی که مرا پروراند ولی با نفرت. نفرت از تمامی اهالی آن. از همان بدو تولدم درگیر بودم، درگیر تعصباتی که اعراب جاهلیت داشتند! مرد پرستی. به خاطر امکانات پایین پزشکی تشخیص دکتر از جنسیت من، پسر بود. برای خاندان بزرگ شهریاری که تک پسر داشت و او را ادامه دهنده‌ی نسل خویش می‌دانست؛ تولد اولین فرزند آن هم پسر مایه‌ی مباحثات و شادی بود. امید در آن روزها بیش تر یافت می‌شد ولی همه این امید پوچ با تولد من نابود شد. چرا؟ ساده است. من پسر نبودم. فامیلی خانوادگی را بر دوش نمی‌کشیدم. آه‌های تمامی این سالیان پدرم و نگاه‌های حسرت‌بار مادرم مخصوصاً پس از تولد خواهرم، ماریا؛ مرا در این سال‌ها کشت. اهمیت جایگاه جنسیت پسر به حدی بود که پدرم توسط عموی خود مسخره می‌شد و حتی کم کم نام او به اندازه‌ی پیش از تولدم محترم و گرمی شمرده نمی‌شد. حق او توسط پسر عموهایش خورد می‌شد و چون او را مقطوع النسل می‌دانستند، او حتی خودش را

خشونت علیه گل

حامد عسکری

منتشر شده در روزنامه جام جم دوشنبه ۸ در ۱۳۹۹

مدت زمان مطالعه: ۲ دقیقه و ۵۱ ثانیه

در لوکل سرچ من کنم: خشونت علیه زنان. ۵۶۰ هزار صفحه پیشنهاد من کند که این عبارت در آنجا به کار رفته است. مردوم سرعیز حنیف، زنانش خوب است. به حنیف من گویم: خشونت علیه زنان به انگلیس و عربی چه می شود؟ من گوید. یادداشت من کنم. دوباره من نشینم جست و جو من کنم. حالا کار به چند میلیون صفحه کشیده است. به چهار، پنج صفحه اول نگاه من اندازم. خبر نیست. در فارس دوباره سرچ من کنم ۲۰ صفحه ارجاع اول را نگاه من کنم. خبر نیست... با همین عبارت در قسمت تصویر لوکل کلیک من کنم. زنان با چشم های روم کرده، صورت های زعفر و چهره های غمگین را تصویر من گیرم. نه، تقریباً در انستیم چیزی دستگیر من نم شود، اما گشتم که بقیه من گشتم که این هم سند باشد بر بزرگترین و غمگین ترین خشونت که علیه مادران صورت گرفت و هیچ کس جلیکش در نیافد... هم در دفاع حقوق زنان، هم در فمینیست ها، هم راهدا کنید، من خواهم از یک خشونت حرف بزنم علیه زنی که سیده زنان جهان بود. شماره هست بود. با خشم خدا خشمگین و با رضایت خدا حاضر من شد. ۱۸۱۸۱۸ بار شیشه داشت. قرار بود آقا حسن نور بگفت، پدر بزرگ یک سوم سیدها جهان باشد. پدرش که به رحمت خدا رفت دیگر روز خوش ندید. عسل، دست تنها مشغول تکلیف و تدفین بود. فکرش را هم نم کرد این جور کنند آنهم با این سرعت! عسل "اسع افعم" من خواند و شانز پسر عموی را در خاک تکان من داد که جای آن طرف شهر جلسه گذاشتند، کودتا و جانفشین تعیین کردند. عسل آمد غدیر را گفت. احد را گفت و هزار فاکتور و سند دیگر رو کرد. هیچ کدافاشن را قبول نکردند. ناراحت شد. بلند شد آمد بیرون به بیعت نیاز داشتند. باید بیعت من کرد. باید تاییدشان من کرد. به مهر و اهنار عسل نیاز داشتند. عسل اسیر این بازی ها نم شد. حق چیز نبود که بشود زیرش زد. آمدند در خانه شان که خانبر و صر بود. خانبر که هر روز نیر اکرم من آمد به خانه و اهلش سلام من داد. آمدند به زور بیعت کنند. قبول نکرد. همین آوردند و شد آنچه نباید من شد... این ماجرا یک طرف. ماجرا سند فدک و کوچیک یک طرف و نافرود اهل مدینه هم اتمام شد. خشم، میمانش داشت بود. شب و روز گریه من کرد. طاقت گریه های من را نداشتند. عسل بر سر اندوه های خانبر ساخت خارج مدینه. حالا من گویم خانه فکر تا سر فراغ این که چه عمارت بوده. یک نقل بوده و چند شیخ و برگ که آفتاب بر رجم مدینه ریختن هظفر را ازیت نکردند. همین را هم طاقت نیاروند. ریختند همان نقل را هم از ریش در آوردند. دلش گرفت. عزیز کرده خدا دلش شکست. خاننشین شد. رنجور بود و بیمار. هسنش را گرفتند. نصف شد. تمام مدت را دستمال به سر بسته در بستر بیمار افتاده بود. به خودشان آمدند. فهمیدند چه کار کردند. به عسل پیغام دادند من خواهم ببینم معذرت خواهر. دست خودم نیست. به این فکر من کنم که من خواستند ببینند کار تمام است یا نه؟ عسل امام است. پیغام را منتقل کرد. جواب شنید: خان، خانبر دوست و من هم کنیز تو... و دل عسل زبخت؟ حتما ریخت... آمدند. جوابشان را نداد. نفرینشان کرد. رفتند. عسل راهدا کرد. گفت: من خواهم کسر در تدفین حاضر باشد. من خواهم کسر بغمه کجا رفتن من کن... و آه که عسل چه کشید... من راستش تا همین چهار این متن هم نفسم در من آید. نور مشام بوس همین پیچیده و سر انگشت های من سوزد. از پوست کلفت هم بوده تا حالا اینهم فاطمه آمده و رفته و دق نکرده ام. شما همین قدر را از من بپزیرید. از داغ داردیده بیش از این توقع نداشته باشید...

ماهنامه طلوع

نشریه واحد زنان و خانواده انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

مدیر مسئول: فاطمه اشرفی

سر دبیر: فاطمه سادات رضوی

صفحه آرا و ویراستار: منصوره جعفری

همکاران این شماره: فاطمه اشرفی، زینب بینات، منصوره جعفری، فاطمه خاوری، زهرا کریمی، مریم محمدی

تبریک! با خواندن این نشریه، شما ۳۰ دقیقه و ۳۴ ثانیه از زمان خود را صرف مطالعه نموده اید.

در صورت تمایل برای همکاری با بخش های مختلف نشریه، به شناسه ی زیر در تلگرام پیام بدهید: @SutTolouAdmin



@mostaghelsharif

با ما در ارتباط باشید: